

رادیو فردا و کناره گیری اعلیحضرت

از سلطنت

تحریر حاضر در راستای اعتقاد کسانی است که برای شورش ۵۷ و تبعات آن قائل به مشروعیت نبوده و معتقد به تداوم مشروعیت اجرائی قانون اساسی و متمم آن میباشند.

چند روز قبل با خبری از رادیو فردا که از ابواب جمعی صدای آمریکاست روبرو شدم که تنظیم این تحریر را لازم و فوری ساخت.

خبر این است که رادیو فردا با پخش قسمتی از بیانات اعلیحضرت درباره علت اتیان سوگند سلطنت که به آن اشاره بیشتری در این تحریر خواهد شد نتیجه گرفت که:

«با انصراف رضایپهلوی رسماً دوره پادشاهی پهلوی به پایان رسید»

اجمال قضیه اینکه رادیو فردا از اعلیحضرت سوالی را مطرح میکند که چنین است:

«آیا شما سوگند پادشاهی خود را پس گرفته اید؟»

رادیو فردا پس از استماع پاسخ اعلیحضرت که در ذیل خواهید دید؛ ناشیانه اعلام انصراف رضایپهلوی و پایان دوره پادشاهی پهلوی را اعلام کرد.

حاشیه = خوانندگان محترم، طرح هنری پرشت را با کوشش رادیو فردا که در واقع صدای وزارت خارجه آمریکا ست، منظور دارید تا ملاحظه فرمائید دولت آمریکا از هر موقعیتی برای پایان دادن و قطع تداوم پادشاهی ایران استفاده میکند و هنوز پس از نزدیک به ۴۰ سال دست بردار نیست. (پایان حاشیه).

اما پاسخ اعلیحضرت

«گذشت زمان و شرائط عینی مملکت و آنچه که میتواند نهایتاً بنفع مملکت باشد یک تصمیمی است که باید به آن رسید. من درگذشت زمان خیلی چیزهایی را در عمل دیدم که آن زمان که ۲۰ سالم بود و شرائط برایم تازگی داشت ندیده بودم و شاید در مواردی انسان بتواند تغییر نظر بدهد....»

از جواب بالا رادیو فردا برداشتی کرده که در بالا مستحضر کرده اید

۱۱۶ نظریه

متعاقب این برنامه ۱۱۶ نظر از شنوندگان برنامه ارائه گردیده که تقریباً تمامی در جهت باور و قبول آنچیزی است که رادیو فردا میخواد؛ از جمله آنها:

>من انتظار نداشتم که ایشون این چنین نسبت به ایران و ایرانی بشوند. شاهزاده شخص مسئولیت پذیر بودند بعید بود که به این سادگی سوگند هایشان را زیر پا گذاشته و صحبت کنند. این صحبت هارا چطور باور کنم که ممکن است فردا یکدفعه شرائط تغییر کرده و اصول را زیرپا بگذارند.<

اکثریت قریب به اتفاق اظهارنظرها متاسفانه در جهت قبول نتیجه گیری رادیو فرداست، آنهم با عباراتی که نشان میدهد در انتظار چنین برنامه و نتیجه گیری بوده اند.

از آن ۱۱۶ چند نظریه توام با بدگویی و تحقیر است؛ اما نه در حد جبهه تهاجم امید دانا و چندتائی هم نوشته اند رضاپهلوی ولیعهد و شاه ماست مادوستش داریم.

در نتیجه یک برنامه کوتاه چند دقیقه ای به میلیونها ایرانی این باور نادرست حفته شد که رضاپهلوی با اعلام انصراف از سوگند پادشاهی پایان دوران پادشاهی پهلوی را اعلام کرد. آیا دشوار است تاثیر آن در جامعه ایرانی که چشم و گوشش به صدای خارجیان خاصه آمریکاست ارزیابی شود؟ و این جوانه خبری را از ریشه طرح هنری پرشت شناخت؟

تصور نکنید که این برداشتها از آن عوام است خیرشهرام همایون هم قبلا خطاب به رضاپهلوی گفت: <اگر وارث تاج و تخت هستید رسماً اعلام کنید.>

توضیح قانونی

وارث و متصدی سلطنت ایران بودن نیاز به اعلام و یا قبول ولیعهد ندارد، چه اعلام بشود یا نشود تداوم آن بموجب اصل ۳۶ متمم با رعایت تشریفات مجلس موسسان به رضاشاه و اعقاب رضاشاه که از جمله است شاهنشاه و فرزند شاهنشاه یعنی اعلیحضرت رضاشاه دوم و فرزند ایشان یعنی نسل بعد از نسل واگذار و منتقل شده است اصل مزبور به اینجا آورده میشود.

>سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس موسسان به شخص

اعلیحضرت شاهنشاه رضا پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان

نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود<

ملاحظه میفرمائید که در اصل مزبور هیچ قید قبول سلطنت و یا اتیان سوگند و یا شرط وقیدی وجود ندارد

قانون اساسی هیچ قید و شرطی را بغیر از سن قانونی برای انتقال سلطنت به ولیعهد مقرر نکرده حتی سوگند در اصل ۳۹ نیز از شرائط قانونی برای تصدی سلطنت و انتقال سلطنت بولیعهد شناخته نشده است، و در این خصوص میتوان گفت به مجرد درگذشت شاه ولیعهد در هر سنی که باشد، در هر کجای کشور و یا خارج از کشور باشد متصدی سلطنت خواهد بود منتها اگر به سن قانونی نرسیده باشد طبق اصل ۳۸ یعنی با واسطه نایب السلطنه تداوم سلطنت ادامه خواهد یافت.

دغدغه پادشاهی

فرصت مناسبی است برای عرض موردی که در مصاحبه کیهان آنلاین با اعليحضرت مطرح شد، اعليحضرت از واژه <دغدغه> استفاده و فرمودند «**برای سلطنت دغدغه ای ندارم**» و این موضوع حربه تهاجم به اعليحضرت از سوی کسانی شد که همه می‌شناسند، و فریاد برآوردند وای دیدید که رضا پهلوی دغدغه پادشاهی ندارد.

مستند بیان اعليحضرت همان اصل ۳۶ متمم است که سلطنت را حق مسلم ایشان میداند و جایی برای نگرانی اعليحضرت و همه کسانی که نگرانی حفظ تداوم سلطنت هستند قانون اساسی و متمم آن باقی نمیگذارد.

دغدغه که به معنای نگرانی و تشویش است ناشی از تضييع حق است، و وقتی قانون، حق را محترم شناخته باشد دغدغه اصولی مرتفع است و دغدغه بصورت گمان و خیال خود نما میشود.

غیر لازم بودن سوگند در اعلام سلطنت

اعليحضرت رضاشاه دوم در نهم آبان سال ۳۹ که پیام اعلام سلطنت را ایراد فرمودند دقیقاً به غیر لازم بودن سوگند سلطنت استحضار کامل داشته اند؛ مقصود آنجاست که میفرمایند:

<باتوجه بوضع استثنائی کنونی، ادای سوگند نامه مندرج در قانون اساسی را به زمانی موکول میکنم که تائیدات الهی شرائط آنرا فراهم سازد؛ ولی از هم اکنون در برابر پرچم سه رنگ پرافتخار ایران به قرآن سوگند یاد میکنم >

بیانیه مزبور نشان میدهد که اعليحضرت سوگند مقرر در اصل ۳۹ متمم را یاد نفرموده اند و آنرا موکول به زمانی دانسته اند که موجبات آن از جمله تشکیل مجلس مشترک شورای ملی و سنا و هیئت دولت ممکن شود.

باز همان بیانیه نشان میدهد که اعليحضرت در نهم آبان بیک سوگند تشریفاتی مبادرت کرده اند که آن سوگند در مقابل پرچم مقدس ایران بوده است در حالی که در متن سوگند مقرر در اصل ۳۹ صحبت از پرچم نیست.

ملاحظه میفرمائید

- ۱- در قانون اساسی و متمم آن به هیچوجه شرط انتقال سلطنت به ولیعهد اتیان سوگند یاد نشده.
- ۲- اعليحضرت در نهم آبان شرط مقرر در ماده ۳۹ را یاد نفرموده اند زیرا نه قصد تاجگذاری داشته و نه شرائط لازم که تشکیل مجلس سنا و شورای ملی بوده ممکن بوده است.

ارتباط تاج گذاری با سوگند

متمم قانون اساسی مشروطیت اگر تصدی سلطنت ولیعهد را مشروط به اتیان سوگند نکرده، در عوض در اصل سی و نهم مقرر داشته که پادشاه وقتی میتواند تاجگذاری نماید که قبلا سوگند مندرج در اصل ۳۹ را در مقابل مجلس یاد کند.

بنابراین ناگفته پیداست که تصدی سلطنت با امر تاج گذاری پادشاه دو موضوع و مورد کاملا متفاوت است.

تداوم سلطنت که در ماهیت به مفهوم ناگسستگی پادشاهی است بلافاصله بمجرد درگذشت شاه جریان سنتی خود را آغاز و ادامه خواهد داد و به بیان اعلیحضرت به نقل از فرهنگ فرانسه <شاه مرده است زنده باد شاه>.

هیچ تلازم و ارتباط حقوقی بین قبول و یا آغاز تصدی سلطنت ولیعهد با سوگند سلطنت وجود ندارد چنانکه شاهنشاه آریامهر سالها بعد از اعلام تصدی سلطنت بهنگام مراسم تاجگذاری اتیان سوگند فرمودند.

مختصر توضیح بالا نشان میدهد که ادعای گوینده رادیو فردا تاجه اندازه بی پایه و جلف تنها در راه جاناندازی طرح هنر پرشت ارایه شده است.

تطبیق اظهار نظر قانونی

اظهار نظر حقوقی و قانونی نسبت به موقعیت اعلیحضرت رضاشاه دوم رادر ادعای ناموجه گوینده رادیو فردا قرار دهید و حیرت کنید از دامنه تلاش برای جای انداختن طرح هنری پرشت آنهم بعد از ۴۰ سال.

اثر سوگند

گوینده رادیو فردا اهمیت سوگند را در آن حدی گرفته که اگر **پس گرفته شود!** نماد پادشاهی ایران با آن قدمت تاریخی کهن و آن پدیده ای که بصورت یک میراث کهن ملت ما درآمده هم به پایان خواهد رسید.

اول اینکه سوگند پس گرفتنی نیست. چیزهای مادی که قابل دست به دست شدن است میتواند پس گرفتنی باشد نه سوگند. سوگند عهدی است با خدا یا یک رابطه اعتقادی که قطع آن به شکستن قسم موصوف است. قسم در واقع مانند عقد و تعهد در حقوق مدنی است و اگر یاد کننده سوگند به رعایت تعهدات ناشیه از سوگند عمل کند، هرچی بر او نیست همانطور که در تعهدات همین امر جاری است. در حقوق مدرن نقض سوگند جرم شناخته نمیشود و در حقوق اسلامی هم نظر ثابتی در واکنش به نقض سوگند وجود ندارد برخی سه روز، روزه و برخی سیرکردن ۱۰ نفر و برخی چیزهای دیگر را مقرر کرده اند، در حقانیت سند و دعوا و اصولا حقوق مدرن در مورد تعهدات اهمیتی برای سوگند قائل نیست و در کلام توضیحی اثر حقوقی متوجه نفس تعهد است نه سوگند پیوست آن که اگر نبود خللی در ارکان تعهد بوجود آید.

حقوق اسلامی اصولا مشوق بکاربردن سوگند نیست و در آیه ۲۲۴ سوره بقره مسلمانان را از توسل به قسم و سوگند باز میدارد.

اعتبار سوگند در حقوق اسلامی بسیار ضعیف و در رده آخر دلایل قرارداد و اعتبار آنهم در موارد معدود و خاصی است و بیشتر در جهت فیصله دعاوی است، نه تعهد و ایفای به عهد و اگر یاد کننده سوگند از سوگند خویش عدول کند نزد خدا مسئول است که ده نفر را خوراک بدهد و یا سه روز روزه بگیرد، و اما اگر قادر به انجام سوگند خود نباشد تکلیفی بر او متوجه نمیشود <لایکلف الله نفسا الی وسعها>.

آیا سوگند مقرر در اصل ۳۹ متمم را که قدری از اعتبار ضعیف آن روشن شد میتوان در آن حد معتبر دانست که اگر یاد کننده سوگند (متصدی سلطنت) به آن عمل نکند پس نتیجه آن خودداری پایان دوران سلطنت است؟؟ **وای از آن مردم دانا ولی عامل بیگانه که چگونه قلب حقیقت میکنند.**

دستآورد

مقصود از این تصریحات که به کرات در گذشته مفصل بیان شده است؛ این است:

نخست - از حساسیت وزارت خارجه آمریکا نسبت به حفظ طرح مزبور و قطع تداوم سلطنت غافل نمائیم که با چه ظرافت و دقتی عوامل آن وزارتخانه از کلام اعلیحضرت نتیجه گیری قطع تداوم سلطنت و پادشاهی را مینماید.

دوم - تداوم سلطنت ایران و مشروعیت آن یعنی سلطنت ولیعهد ایران بعنوان پادشاه ایران با هیچ مانع و یا خلل حقوقی مواجه نیست و در عبارت حقوقی ایشان متصدی سلطنت ایران بر اساس قانون اساسی مشروطیت هستند **ولی بعلت قوه قاهره شامل شورش ۵۷ و طرح هنری پرشت قادر به انجام تعهدات ووظائف قانونی و سنتی خود نیستند**